

## سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با

### سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین

علی اکبر مجددی (دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد؛ نویسنده مسؤل)

majdi@um.ac.ir

رامپورصدرنبوی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد)

حسین بهروان (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد)

behraavan@um.ac.ir

محمود هوشمند (دانشیار اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد)

### چکیده

سبک زندگی دارای سه بعد رفتاری، نگرشی و ترجیحات، انگیزه مصرف است. بعد رفتاری سبک زندگی جوانان در پیمایشی از ۴۰۲ جوان ساکن شهر مشهد با هشت شاخص شامل: مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، رفتار سیاسی، رفتار انحرافی، توجه به آرایش و خودآرایی، مصرف لباس و کفش، مصرف خوراک و دین‌داری با ابزار پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفت و با توجه به اینکه مساله اصلی مقاله حاضر سنجش رابطه سبک زندگی و سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین بود، این رابطه مورد تایید قرار گرفت لازم به ذکر است که بیشترین تمایز سبک زندگی بین قشر بالا (هم سرمایه فرهنگی و هم سرمایه اقتصادی زیاد) و قشر پایین (سرمایه فرهنگی و اقتصادی کم) مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، مصرف، جوانان، مشهد، سرمایه فرهنگی

### مقدمه

سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه جدی و اقبال جامعه‌شناسان قرار گرفت. با طرح مباحث مربوط به مدرنیته، هویت، مصرف و انگیزه‌های مصرف‌کنندگان از سوی جامعه‌شناسان بستر مناسبی جهت رشد مطالعات و تحقیقات تجربی در این زمینه فراهم شد. این گسترش با محوریت نظریات و آرای جامعه‌شناسانی همچون

ماکس وبر<sup>۱</sup>، گیدنز<sup>۲</sup>، وبلن<sup>۳</sup>، بوردیو<sup>۴</sup>، پیترسون<sup>۵</sup> و... انجام گرفت. بررسی پیشینه های تجربی در زمینه سبک زندگی در ایران نشان می دهد که سابقه پژوهش در این زمینه به کمتر از بیست سال می رسد البته از سال ۱۳۸۰ تاکنون اقبال محققان به سوی این موضوع بیشتر شده است. به گفته فاضلی (۱۳۸۲) گستردگی ابعاد و پیچیدگی موضوع موجب شده است که مرزهای محدود کننده این موضوع لغزنده و مبهم باشد و لذا برداشت های متفاوتی از این موضوع و قلمرو آن به وجود آید که در بررسی ها قابل مشاهده است.

### سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی اولین بار در سال ۱۹۲۹ توسط آلفرد آدلر<sup>۶</sup>، روان شناس اجتماعی، مطرح شد. و پس از یک دوره افول، مجدداً از سال ۱۹۶۱ مورد اقبال اندیشمندان به خصوص جامعه شناسان قرار گرفت.

در ادبیات جامعه شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است (چاپین<sup>۷</sup> ۱۹۹۵؛ چاپمن<sup>۸</sup> ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرایی معنا می یابد (گیدنز ۱۹۹۱؛ بوردیو ۱۹۸۴؛ فدرستون<sup>۹</sup> ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱؛ لاش و یوری<sup>۱۰</sup> ۱۹۸۷) و

- 
- 1- Weber
  - 2- Giddings
  - 3- Veblen
  - 4- Bourdieu
  - 5- Peaterson
  - 6- Addler
  - 7- Chapin
  - 8- Chapman
  - 9- Feathrston
  - 10- Lash & Urry

در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه روزافزایش می‌یابد (اباذری، ۱۳۸۱).

جنسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) معتقد است که بیشتر اوقات این مفهوم بدون آنکه به طور دقیق معنای روش زندگی را بدهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در ادبیات این واژه، به روش‌های مختلف تعریف شده و اینکه در چهار سطح جهانی، ملی، منطقه‌ای و فردی قابل اندازه‌گیری است. فرهنگ علوم اجتماعی سبک زندگی را به نوع زندگی یا نوع معیشت ترجمه کرده که منظور چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها به صورت فردی و گروهی است و چگونگی استفاده از درآمد، طول زمان کار، شیوه لباس پوشیدن، تغذیه، نحوه آرایش، محل سکونت، رفتارهای دینی و فرهنگی و... را شامل می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵). گیدنز (۱۳۸۲) سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره خود می‌داند که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌هاست و بر همین اساس از نوعی وحدت برخوردار است.

بوردیو سبک زندگی را نتیجه قابل رؤیتی از ابراز عادت می‌داند از نظر او همه چیزهایی که انسان را احاطه کرده است مثل مسکن، اسباب و اثاثیه، کتاب‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها و غیره بخشی از سبک زندگی او می‌باشند (پالومتس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

فیدرستون (۱۹۹۱ به نقل از شهابی، ۱۳۸۶) بدن، لباس، نحوه صحبت کردن، فعالیت‌های فراغتی، ترجیحات خوراکی و نوشیدنی، خانه، اتومبیل، انتخاب مقصد گذران تعطیلات و نظایر این‌ها را شاخص‌های فردیت ذائقه و سبک مورد علاقه مصرف‌کننده می‌دانست.

وبر واژه سبک زندگی را جهت اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت بودند، به کار گرفت و (تامین، ۱۳۸۳). وبر در تحلیلی چند بعدی به سه مفهوم سبک زندگی یا سبک مند شدن زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی اشاره می‌کند. وی خصیصه اصلی سبک زندگی را

1- Jensen

2- Palumets

انتخابی بودن آن می دانست که محدود به برخی مضایق ساختاری است و این محدودیت‌ها اقتصادی و اجتماعی اند. وبر کارکرد دو گانه ای برای سبک زندگی قایل است. از یک طرف موجب تفاوت بین گروهی می شود و به برتری های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می بخشد و از سوی دیگر موجب انسجام بخشیدن درون گروهی می شود. به نظر او سبک زندگی بیش از آنکه بر تولید استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف استوار است (فاضلی، ۱۳۸۲).

وبلن (۱۳۸۶) انگیزش های اجتماعی برای رفتار رقابت آمیز و چشم و هم چشمی را پایه و اساس تبیین پدیده مصرف مدرن قرار می دهد و با طرح مفهوم طبقه تن آسا، مفهوم تمایز طبقاتی که در مصرف تجلی پیدا کرده است را مطرح می کند و قدرت مالی و ثروت را مبنای افتخار، منزلت و جایگاه اجتماعی می داند. البته وی نقش ذخیره کردن ثروت در کسب افتخار را ضعیف تر از نمایش دادن آن می داند و معتقد است که برای به دست آوردن و حفظ اعتبار، فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست بلکه ثروت و قدرت باید نشان داده شود، زیرا اعتبار فقط با آشکار کردن آن‌ها به دست می آید. به نظر او افراد ثروتمند در جوامع کوچک از طریق فراغت خود نمایانه و در جوامع بزرگ و شهری از طریق مصرف خود نمایانه و نمایشی، ثروت خود را به نمایش می گذارند. وی به اصل و قانون ضایع کردن تظاهری در جریان مصرف نمایشی اشاره می کند که منظور مسابقه و رقابت بر سر هر چه بیشتر پول خرج کردن است. وی پدیده مد را مختص به طبقه بالایی می داند که می خواهند نشان دهند که برای کسب درآمد مجبور به کار کردن نیستند. او یکی از بهترین زمینه های مصرف نمایشی و ضایع کردن تظاهری را مصرف لباس می داند.

گیدنز (۱۳۸۳) انسان را به عنوان عامل در شکل گیری هویتش موثر می داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک های زندگی پیروی می کنیم بلکه به تعبیر دیگر ناچار به این پیروی هستیم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به جز گزینش نداریم. به نظر وی هرچه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی اش، و ساخت و همچنین با

تجدید ساخت آن سروکار خواهد داشت. البته منظور گیدنز از کثرت انتخاب که در همه انتخاب‌ها بر روی همه افراد باز است.

زیمل متمایز ساختن خود از دیگران - به واسطه مد - را محرک مصرف می‌داند وی کارکرد دو گانه ای برای مد قایل است در یک وجه، اعلام تمایل فرد برای متمایز شدن از دیگران و بیان هویت فردی و خواست فردیت است، اما وجه دیگر آن که جنبه طبقاتی دارد، سبب همبستگی گروهی و تقویت انسجام اجتماعی طبقاتی است (میلز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶ به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲).

بورديو در باره شکل‌گیری سبک‌های زندگی نظریه‌ای منسجم ارائه داده است. مطابق مدلی که او ارائه کرده است شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاص منجر می‌شود و منش دو دسته نظام است. نظامی برای طبقه بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه‌ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ای خاص طبقه بندی شده و حاصل ادراکات خاص هستند. همچنین سبک زندگی تجسم یافته ترجیحات افراد است که به صورت عمل در آمده و قابل مشاهده هستند. الگویی غیر تصادفی که ماهیت طبقاتی دارد. او با نشان دادن اینکه سبک‌های زندگی محصول منش‌ها و خود منش‌ها نیز تابعی از انواع تجربه‌ها و از جمله تجربه آموزش رسمی هستند و با بیان این نکته که الگوهای مصرف‌ترین بروز سبک‌های زندگی اند، ارتباط میان آموزش رسمی در ساختار سرمایه داری و باز تولید آن را تحلیل کرد. عمده‌ترین میراث اندیشه بورديو برای جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل سبک‌های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف، بررسی فرضیه تمایز یافتن طبقات از طریق الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی قرائح و مصرف فرهنگی است (فاضلی، ۱۳۸۲).

دوگلاس و ایشرود<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) متجلی کردن و ثبات بخشیدن به مقولات فرهنگ را محرک مصرف می دانند به نظر آنان چون کالاها وجه نمادین دارند قادرند به عنوان ابزار مبادله و ارتباط به کار گرفته شوند، مصرف کالاها برای حفظ ارتباط و انسجام، جلب حمایت دیگران و ابراز مهربانی کردن لازم اند. به نظر کمپل<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) مصرف مدرن با مصرف سنتی متفاوت است. مصرف سنتی لذت مصرف اشیا و انجام اعمال را در خود آنها جست و جو می کند اما مصرف مدرن لذت مصرف را در تجربه ذهنی آن دنبال می کند و لذت خواستن اشیا بیش از لذت داشتن آنهاست و مصرف کردن چرخه ای بی انتهاست، زیرا تجربه مصرف کردن همواره از خیال مصرف عقب تر است.

پترسون معتقد است که در دوران جدید الگوی مصرفی بروز کرده است که دیگر اعضای طبقات بالا خود را به داشتن یک الگوی مصرف مشخص محدود نمی کنند. او این الگوی مصرف را «همه کاره بودن» می خواند. در چنین الگوی مصرف جدیدی، طبقات بالا از همه انواع فرهنگ و هنر استفاده کرده و به سلسله مراتب ژانرهای فرهنگی بی اعتنا هستند. ملاحظات زیبا شناختی که بر مبنای معیارهای فردی تعریف می شوند هدایت کردن زندگی و داوری سلیقه ها را بر عهده می گیرند. وی چنین تحولی را «زیبا شناختی شدن زندگی روزمره» می خواند (فاضلی، ۱۳۸۲).

بر اساس تعاریفی که بیان شد می توان گفت سبک زندگی عبارت از شیوه زندگی کردن است که شامل رفتارهای عینی در قالب مصرف می شود.

#### سرمایه فرهنگی (تحصیلی) و سرمایه اقتصادی

سرمایه مفهومی بیشتر اقتصادی است که تعریف آن را باید ابتدا در ادبیات آن رشته علمی دنبال کرد. در فرهنگ علوم اقتصادی، سرمایه که یکی از عناصر مهم تولید در نظام سرمایه داری است متشکل از مالی است که از آن عایدی به دست آید و برحسب پول بیان می شود.

1- Douglas & Isherwood

2- Campbell

برخی اقتصاد دانان معلومات اکتسابی را نیز به معنای سرمایه دانسته اند (فرهنگ، ۱۳۶۹).  
هایک سرمایه را مجموعه ای از کالاهای قابل تولید مجدد می داند: (شایان مهر، ۱۳۷۹).  
مارکس معتقد است که گردش کالایی سرآغاز سرمایه است و پول به عنوان آخرین محصول دوران کالایی، نخستین صورت تجلی سرمایه است و از لحاظ تاریخی، سرمایه همه جا در برابر مالکیت ارضی بدو به شکل پول، به مثابه دارایی نقدی، سرمایه تجاری و سرمایه ربایی است: (مارکس، بی تا). و در تعریف دارایی و ثروت که مشابه سرمایه است، گفته می شود هر آنچه که ارزش یا مطلوبیت داشته باشد ثروت است و یا ذخیره کالاهای موجود در یک زمان معین که باید با مقررات زیر موافق باشد: ۱- مطلوبیت داشته باشد ۲- دارای ارزش پولی باشد ۳- عرضه آن محدود باشد ۴- انتقال مالکیت آن از یک شخص به دیگری ممکن باشد (فرهنگ، ۱۳۶۹). به نظر بوردیو سرمایه فرهنگی، داشتن تمرین هایی از فرهنگ قانونی یا قانون فرهنگی است (بوردیو، ۱۹۸۴). مفهوم سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبری سبک زندگی است که شامل مهارت های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی، و شیوه هایی می گردد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می کند (ممتاز، ۱۳۸۳). همچنین سرمایه اقتصادی از نظر بوردیو شامل درآمد و انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت قرار می گیرند (رضوی زاده، ۱۳۸۷). برای بوردیو وجود یک خانه، یک قایق و ماشین لوکس یا گذراندن تعطیلات در هتل های مجلل نیز نشانه های ویژه سرمایه اقتصادی است (بوردیو، ۱۹۸۴). آنچه مسلم است سرمایه علاوه بر اینکه در طول عمر یک فرد و به تدریج انباشته می شود ممکن است از طریق ارثیه از والدین نیز به فرد منتقل شود. با عنایت به اینکه در این تحقیق پاسخ گویان در بازه سنی ۲۹ - ۱۵ ساله بودند اکثر آنها فاقد استقلال اقتصادی و تجربه فرهنگی فردی بودند و لذا ثروت والدین (اعم از ارزش منزل و مستغلات، موجودی حساب بانکی، ارزش سهام و ارزش اتومبیل) به عنوان متغیر سرمایه اقتصادی در نظر گرفته شد. البته لازم به توضیح است که بین متغیر ثروت و درآمد ماهیانه در این تحقیق همبستگی معنادار و نسبتاً قوی معادل ۰/۶۶ وجود داشت و میانگین میزان تحصیلات والدین به عنوان متغیر سرمایه فرهنگی پاسخ گویان قرار گرفت.

ترکیب انواع سرمایه (البته فقط اقتصادی و فرهنگی) در نزد بوردیو به منظور ارایه یک الگوی طبقه بندی اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد. برای بوردیو هر قشر اجتماعی بر اساس ترکیبی از سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تعریف می شود. اعضای هر طبقه در هر میدان، جایگاهی مخصوص به خود دارند که براساس ترکیب انواع سرمایه تعیین شده است. تحلیل سرمایه در نزد هر طبقه به سه وجه مرتبط است: ۱- میزان سرمایه (کم/زیاد) ۲- ساختار سرمایه: (اقتصادی/ فرهنگی) ۳- بعد زمانی سرمایه (کاهش بین نسلی/ افزایش بین نسلی) (بوردیو به نقل از رضوی زاده، ۱۳۸۷).

بوردیو براساس ترکیب سرمایه هایی که در اختیار افراد می باشد سه قشر بالا، متوسط و پایین را از یکدیگر متمایز کرده و قشر بالا را به سه زیر گروه تقسیم می کند که شامل: ۱- گروهی که از نظر سرمایه اقتصادی و فرهنگی در سطح بالایی قرار دارند (بیشترین نمونه معرف این گروه متخصصان حرفه ای هستند). ۲- گروهی که سطح سرمایه اقتصادی بالا ولی سرمایه فرهنگی به اندازه اقتصادی بالا نباشد (مثل گروه شغلی کارآفرینان). ۳- گروهی که سطح سرمایه فرهنگی بالا ولی سطح سرمایه اقتصادی به اندازه سرمایه فرهنگی بالا نباشد (مثل گروه شغلی معلمان) (بوردیو، ۱۹۸۴).

#### پیشینه تحقیق

با توجه به گستردگی موضوع سبک زندگی تحقیقات قابل توجهی در این زمینه در کشورهای دیگر و اخیراً ایران انجام شده است برخی از این منابع به مباحث تئوریک در زمینه سبک زندگی و مشکلات و ابهاماتی که این واژه دارد، پرداخته و ضعف سبک زندگی در تبیین سایر پدیده های اجتماعی را مورد بحث قرار می دهند (مانند جنسن، ۲۰۰۷؛ راسل، ۲۰۰۵). دسته ای از تحقیقات به بعد نگرشی سبک زندگی پرداخته اند و نگرش پاسخ گویان به پدیده های خاصی را به عنوان سبک زندگی تلقی کرده اند (لیتل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹؛ محمدی، ۱۳۸۶).



حال آنکه نگرش الزاماً به رفتار منجر نمی شود برخی از تحقیقات تجربی در زمینه سبک زندگی آن را در حد چند عادت یا رفتار خاص ورزشی یا خوردن مواد خوردنی خاص تقلیل داده و اثر آن را بر یک پدیده دیگر مانند بیماری مورد بررسی قرار داده اند (سی دونوگو<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۹۹۲؛ مهوس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ رکس<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۷؛ گالوباردس<sup>۴</sup> و دیگران ۲۰۰۳؛ هیمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ میر زمانی و پور اعتماد، ۱۳۸۳؛ استاجی و همکاران، ۱۳۸۵). حال آنکه زندگی یک کلیت بهم پیوسته است و لذا سبک زندگی نیز واجد این کلیت است. دسته ای از تحقیقات ضمن اذعان به کلی بودن سبک زندگی و اشاره به شاخص های متعدد آن، در عمل فقط به یک بعد و شاخص اکتفا کرده و آن را مورد سنجش قرار می دهند (رضوی زاده، ۱۳۸۶؛ شفیعی، ۱۳۸۶).

در مورد محتوای پیشینه های مورد بررسی، می توان به چند نکته توجه کرد. جنسن (۲۰۰۷) در مورد مشکلات تحقیق در مورد سبک زندگی و به خصوص مشکل ابهام در تعریف سبک زندگی بحث کرده و یک تعریف از بعد شناختی را ارائه می نماید. لثوبی (۱۳۸۰) در تحقیقی در مورد سبک های زندگی جوانان در انگلستان نتیجه گرفت که پیوند عمیقی میان زمینه طبقه اجتماعی و فرصت های زندگی (و بنابراین سبک زندگی) جوانان وجود دارد و رابطه همبستگی بین طبقه اجتماعی والدین پاسخ گو و مسیرهای شغلی - آموزشی از نظر آماری معنا دار است. فردرو (۱۳۷۸) در تحقیقی در یکی از مناطق شهر تهران دریافت که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مصرف کالا های فرهنگی رابطه همبستگی معنا داری وجود دارد.

موضوع دیگر سنخ بندی سبک زندگی در تحقیقات مختلف است. البته هیچ توافق نظری در مورد تعداد سبک های زندگی وجود ندارد. میچل در آمریکا نه سبک زندگی تشخیص می -

- 
- 1- Donoghoe
  - 2- Meheus
  - 3- Rex
  - 4- Globardes
  - 5- Heiman

دهد (میچل، ۱۹۸۵ به نقل از رضوی زاده، ۱۳۸۷). هارتون و هانت<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) براساس سه طبقه اجتماعی، سه سبک زندگی را بیان می کنند. محققان انگلیسی در نوع بندی جامعه، شش طبقه را از یکدیگر متمایز می کنند (مارش<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶). روسویگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) ضمن اشاره به یک سبک زندگی آمریکایی، به روایت دیگر بر اساس یافته های پژوهشی شرکت کاریتاس، ۶۰ گروه سبک زندگی در آمریکا تشخیص داده شده است که رفتارهای مصرفی و گرایشات سیاسی متفاوتی دارند. شهابی در سال ۱۳۷۷ به روش کیفی و با استفاده از تیپ ایده آل وبری یک سنخ بندی از سبک های زندگی جوانان ایرانی ارائه نمود که بر اساس آن سه نوع سبک زندگی در بین جوانان ایرانی وجود دارد که شامل سبک زندگی همنوایانه یا متعارف، سبک زندگی بسیجی و سبک زندگی جهان وطنانه (شهابی، ۱۳۸۶).

تقی آزاد ارمکی و شالچی (۱۳۸۴) نیز در مقاله «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ» با توجه به نظریه بوردیو به بررسی مقایسه ای دو سبک زندگی در میان جوانان منطقه ۳ شهر تهران می پردازند. سبک زندگی اصول گرایی انقلابی که متأثر از ارزش های انقلاب اسلامی است و اجتناب از روابط با نامحرم و دوری از مدگرایی و مصرف گرایی غربی و تاکید بر هویت اسلامی در مقابل هویت غربی از ویژگی های این سبک است و سبک زندگی پسامدرن که مد گرایی، مصرف گرایی و مصرف گرایی غربی و ارتباط با جنس مخالف از جمله ویژگی های این سبک است.

محمدی (۱۳۷۸) نیز در مقاله «اخلاق شادی، سبک زندگی» ویژگی های یک سبک زندگی را برمی شمرد که شهابی آن را سبک زندگی سنتی و در مقابل سبک زندگی ساینرین که متفاوت از گروه قبلی هستند که شهابی آن را سبک مدرن نامیده است (به نقل از شهابی، ۱۳۸۶). بنیامین باربر<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) یک سنخ شناسی دوگانه از سبک زندگی ارائه می دهد. او برای

---

1- Hurton & Hunt

2- Marsh

3- Reusswig

4- Barber

توصیف عملکرد دو روند هم‌زمان در جهان از دو واژه «جهاد» و «مک ورلد» استفاده می‌کند. به نظر وی ما از یک طرف شاهد روند محلی سازی، خاص‌گرایی یا سیاست هویت (در اشکال دینی، قومی و نژادی) هستیم که شامل همه اشکال مخالفت بنیاد گرایانه با تجدد می‌شود که در ادیان و مذاهب اسلام، پروتستانیسم، کاتولیسم، هندوئیسم، بودیسم، کنفوسیونیسم و یهودیت وجود دارد (جهاد) و از طرف دیگر شاهدیم که یک بازار اقتصادی توسعه طلب و جهانی ساز (تحت کنترل شرکت‌های چند ملیتی) از طریق اقلام مصرفی و فرهنگ عامه پسند، قصد همگون سازی فرهنگ‌های محلی و ادغام آن‌ها در فرهنگ جهانی را دارد (مک ورلد) شهابی این دو سبک را، سبک زندگی ستیزه جویانه و سبک زندگی مصرفی می‌نامد: (به نقل از شهابی، ۱۳۸۶). پالومتس (۱۹۹۸) در تحقیق خود در مورد سبک زندگی در استونی، براساس ترکیب سرمایه های فرهنگی و اقتصادی مورد نظر پیر بوردیو سه گروه تشخیص می‌دهد که هر کدام سبک زندگی خاصی دارند. گروه اول کسانی که سرمایه اقتصادی و سرمایه تحصیلی بالایی دارند در مورد سبک زندگی این گروه، گذراندن اوقات فراغت با تجهیزات ورزشی، کوهنوردی و تکنولوژی عکاسی و مصرف بالای فرهنگی، کارهای هنری و کلکسیون هنری و کتابخانه، کلبه تابستانی و مصرف مکمل های غذایی، گروه دوم کسانی که سرمایه اقتصادی بالایی دارند و در مورد سبک زندگی آنان می‌توان به مشخصه هایی همچون داشتن اتومبیل شخصی، سنگ‌ها و فلزات گران‌بها، ملاقات‌های اجتماعی در رستوران‌ها و کافه‌ها، رفتن به کنسرت‌ها، تئاترها و نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های سیاسی اشاره کرد و گروه سوم کسانی که سرمایه تحصیلی بالایی دارند که سبک زندگی آنان با ویژگی‌های داشتن آلات موسیقی، کم اهمیت دادن به دیدن تلویزیون و گوش دادن به رادیو، خواندن روزنامه، اهمیت دادن به پیشرفت ذهنی و یادگیری زبان‌های خارجی از دو گروه قبل متمایز می‌شوند. برگ با پرسش از ۴۷ فعالیت در بین رانندگان جوان سوئدی و با تحلیل عاملی داده‌ها ده الگوی سبک زندگی به دست آورده است که شامل سبک های ورزشی، الکلی، عشق راندن، فرهنگی، رفتار زنانه،

1- Jihad

2- Mcworld

مشارکت اجتماعی، بلا تکلیف، دوستدار فیلم، حساس به لباس و عشق به اتومبیل بود (برگ، ۱۹۹۴ به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲).

در مورد رابطه سرمایه فرهنگی و اقتصادی با سبک زندگی تحقیقات مختلفی انجام شده است اما شیوه ترکیب دو نوع سرمایه کاملاً متفاوت است. بیشتر آن‌ها متغیرهای تحصیلات و درآمد به عنوان اجزای پایگاه اجتماعی و اقتصادی (فردرو، ۱۳۷۸) و یا به عنوان معرف های طبقه اجتماعی (تامین، ۱۳۸۵) مورد استفاده قرار گرفته اند. بر این اساس شواهد تجربی وجود دارد که رابطه تحصیلات با سبک زندگی را تایید می کند (سویج و بارلو، ۱۹۹۲؛ برگس، ۱۹۸۶؛ لیبرسون و بل، ۱۹۹۲؛ رضوی زاده ۱۳۸۶؛ فرد رو ۱۳۷۸) و از سوی دیگر شواهد تجربی دیگری رابطه بین وضعیت اقتصادی و سبک زندگی را نیز تایید می کنند (تامین، ۱۳۸۵؛ ملوین کوهن، دی مگیو و اوسیم، ۲۰۰۰؛ کلی، ۱۹۹۰؛ زابلکی و کانتر، ۱۹۷۶)

لاروک (۱۳۸۵) در زمینه رابطه سبک زندگی با طبقه اجتماعی معتقد است که تعلق به یک طبقه اجتماعی را می توان از روی سبک زندگی شناخت، چرا که سبک زندگی طبقات با هم دیگر متفاوت است. رابطه طبقه و سبک زندگی از دو جهت قابل بررسی است: ۱- سبک زندگی به میزان درآمد بستگی دارد. استفاده از درآمد وسیله ای است برای رسیدن به نقش هایی که میزان مشخصی وجهه ایجاد می کند علاوه بر آن درآمد نه تنها موجب سطح زندگی مشخصی است، بلکه وسیله قبول و پذیرش سبک زندگی معینی نیز هست و مشابه بودن سطح زندگی در بین تعدادی از مردم، نوعی رابطه بین آن‌ها ایجاد می کند که آنان را از کسانی که سطح زندگی بالاتر یا پایین تر از آن‌ها دارند، متمایز می کند. البته گاهی ممکن است افرادی که سطح درآمدی مشابه دارند، از نظر سبک زندگی مشابه نباشند به عبارت دیگر سطح درآمدی یکسان، سبک زندگی مشابه را در پی نداشته باشد و علت این امر به چگونگی استفاده و هزینه کردن درآمد مربوط است، و در مقابل افرادی که درآمدهای یکسانی ندارند ممکن است سبک زندگی مشابهی داشته باشند. ۲- چگونگی استفاده از درآمد غالباً مبین سبک زندگی است. خانواده های با درآمد مشابه و یکسان غالباً درآمد خود را در جهات و امور متفاوت هزینه می کنند. برخی برای خوراک و احتیاجات اولیه نسبت بیشتری هزینه می کنند و برخی سهم بیشتری را خرج

مسکن، اتاق پذیرایی، ناهارخوری، لباس و مانند آن می‌کنند و این تفاوت در بهره‌برداری از درآمد بستگی به این دارد که فرد به کدام گروه و طبقه اجتماعی تعلق دارد. مثلاً در مورد مسکن، اینکه فرد خانه شخصی داشته باشد یا در آپارتمان اجاره‌ای زندگی کند یا در چه محله‌ای سکونت کند تا حد زیادی به گروه و طبقه‌ای که فرد متعلق به آن است، بستگی دارد. در مورد لباس، در بسیاری از جوامع نوع لباس نشانه بستگی فرد به یک گروه اجتماعی معین است. حتی انتخاب نوع غذا، نوع مشروب، ساعات سرو غذا و ترتیب غذا خوردن نیز تا حد زیادی در گروه‌های اجتماعی مختلف متفاوت است. در مورد ورزش نیز برخی از ورزش‌ها مختص طبقات متوسط یا بالاست. البته عامل اساسی در این جریان، تحصیلات و سبک تعلیم و تربیت است. از آنجا که میزان تحصیلات نقش هر کس در جامعه را مشخص می‌کند و همچنین تعیین‌کننده درآمد و نحوه استفاده از درآمد است و شاید به همین علت، سطح تحصیلات و نوع مدرسه‌ای که فرد در آن آموزش دیده، عامل اساسی تعیین‌کننده طبقه اجتماعی اوست.

بررسی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که هر کدام از تحقیقات انجام شده به یک بعد خاص از سبک زندگی توجه کرده اند و جای خالی یک تحقیق که به ابعاد گوناگون سبک زندگی توجه کرده و سنخ بندی خود را براساس ترکیب ابعاد چندگانه آن ارایه نماید ما را برآن داشت که این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم. البته در این مقاله بخش اندکی از یافته‌های پژوهشی حاصل از این بررسی با رویکرد تاثیر سرمایه فرهنگی و اقتصادی بر سبک زندگی ارایه می‌گردد. این مقاله در پی آن است که سبک زندگی جوانان را دسته بندی و توصیف کرده و به این سؤال پاسخ دهد که آیا ترکیب سرمایه فرهنگی و اقتصادی با نوع سبک زندگی رابطه دارد؟ بنابراین فرضیه «سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین بر نوع سبک زندگی جوانان تاثیر دارد.» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این مقاله فقط به بعد رفتاری سبک زندگی توجه شده است و با استفاده از داده‌های حاصل از تحلیل خوشه بندی پنج سبک زندگی از یک‌دیگر متمایز شدند.

## روش تحقیق

این تحقیق به صورت پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری این بررسی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن شهر مشهد در تابستان ۱۳۸۸ بود که با استفاده از فرمول کوکران با پارامترهای نامعین حجم نمونه ۳۹۶ نفر تعیین ولی در عمل به ۴۰۲ نفر افزایش یافت که ۲۰۱ نفر مرد و ۲۰۱ نفر زن پاسخ گوی پرسش نامه ها بودند. نمونه گیری به صورت طبقه بندی چند مرحله‌ای و در آخرین مرحله به صورت سیستماتیک انجام شد.

با توجه به داده های دو تحقیق اخیر در مورد شهر مشهد (بهروان، ۱۳۸۷؛ یوسفی، ۱۳۸۸) و بر اساس دو متغیر میانگین سطح سواد سرپرست خانوار و میانگین درآمد سرپرست خانوار در هر منطقه شهرداری، مناطق شهرداری به چهار گروه (بالا؛ متوسط بالا؛ متوسط پایین؛ پایین) تقسیم شد و به تناسب جمعیت ساکن در هر کدام از مناطق گروه‌های چهارگانه، حجم نمونه تخصیص پیدا کرد و سپس از بین مناطق شهرداری تحت پوشش هر کدام از گروه‌های چهار گانه، یک منطقه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شد به طوری که منطقه یک شهرداری با ۹۶ نمونه به عنوان بالا، منطقه ۱۰ شهرداری با ۵۶ نمونه به عنوان متوسط بالا، منطقه ۷ شهرداری با ۱۰۰ نمونه به عنوان متوسط پایین و منطقه ۴ شهرداری با ۱۵۰ نمونه به عنوان پایین انتخاب شدند. پس از آن براساس آخرین اطلاعات نقشه ممیزی شهر مشهد بلوک‌های مناطق انتخاب شده به ترتیب شماره بلوک مرتب شد و با استفاده از جدول اعداد تصادفی برای منطقه یک تعداد ۱۰ بلوک، منطقه ده تعداد ۶ بلوک، منطقه هفت تعداد ۱۰ بلوک و منطقه چهار تعداد ۱۵ بلوک انتخاب شد و در هر بلوک به صورت تصادفی منظم ۱۰ خانوار مورد پرسش قرار گرفت و در صورت نبودن جوان در بازه سنی ۲۹-۱۵ ساله به خانوار بعدی مراجعه می شد.

ابزار جمع آوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته بود که اعتبار آن با تایید اهل فن و پایایی آن با آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۲. برای ۱۲ گویه دین داری محاسبه شد.

واحد تحلیل در این تحقیق فرد بود. به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده ها، علاوه بر آماره‌های توصیفی، از تحلیل عامل، تحلیل خوشه، مقایسه میانگین‌ها و تحلیل واریانس استفاده شد.

دو متغیر اصلی در این تحقیق، سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین و نوع سبک زندگی جوانان بود که به شرح ذیل مورد سنجش قرار گرفت.

نظریه بوردیو و تحقیق عملی پالومتس در استونی که بر مبنای نظر بوردیو انجام شده بود در این تحقیق مبنای ترکیب سرمایه فرهنگی و اقتصادی قرار گرفت و گروه بندی جامعه بر مبنای آن صورت گرفت. البته با تجربه پالومتس این تفاوت را داشت که وی فقط گروه بندی طبقه اشراف را مورد توجه و استفاده قرار داده بود ولی در این بررسی قشر متوسط و قشر پایین نیز مورد توجه قرار می گیرد. ولذا در این تحقیق پنج قشر اجتماعی بر اساس ترکیب سرمایه فرهنگی (تحصیلی) و سرمایه اقتصادی مشخص شد که شامل: ۱- هم سرمایه فرهنگی و هم سرمایه اقتصادی زیاد است ۲- فقط سرمایه فرهنگی زیاد ۳- فقط سرمایه اقتصادی زیاد ۴- سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی در حد متوسط ۵- سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی در حد کم، بود. نکته مهم در این طبقه بندی تعیین مرز کم و زیاد بود. با توجه به کمی بودن شاخص های سرمایه و عدم وجود توضیح روشنی در نظریه بوردیو و تجربه پالومتس در این زمینه بر آن شدیم ملاک مناسبی را مورد توجه قرار دهیم، ابتدا از پارامتر آماری میانه استفاده شد و بالاتراز میانه به عنوان زیاد و پایین تر از میانه به عنوان کم در نظر گرفته شد ولی با توجه به اعداد به دست آمده (میانه سواد ۸ کلاس و میانه ثروت ۴۰ میلیون تومان) ملاک مناسبی به نظر نمی رسید و علاوه بر آن طبقه متوسط خود به خود حذف می شد. با بررسی های انجام شده و مذاکره با یکی از اساتید گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی متقاعد شدیم که حداقل در مورد شهر مشهد هیچ عدد و رقمی از درآمد، تحصیلات و ثروت که اقشار بالا، متوسط و پایین را از یکدیگر متمایز کند، وجود ندارد. رفیع پور (۱۳۷۶) در توضیح نابرابری اقتصادی - اجتماعی در ایران از شاخص نابرابری که حاصل تقسیم مجموع درآمد ۲۰٪ بالای جامعه: (دو دهک بالا) بر درآمد ۴۰٪ پایین جامعه بود، استفاده کرد. بنابراین از همین شیوه جهت تعیین مرز کم و زیاد استفاده شد یعنی نقطه ۴۰٪ و پایین تر را به عنوان کم و نقطه ۸۰٪ و بالاتر را به عنوان زیاد در نظر گرفتیم (براین اساس سواد ۶/۵ کلاس و پایین تر را کم و

۱۲ کلاس و بیشتر را زیاد و ثروت ۵۰ میلیون و کمتر را کم و ۲۰۰ میلیون و بیشتر را زیاد و فاصله بین کم و زیاد به عنوان متوسط در نظر گرفته شد).

در مورد متغیر سبک زندگی جوانان براساس پیشینه ها و مباحث نظری در زمینه سبک زندگی، هشت شاخص مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، رفتار انحرافی، رفتار سیاسی، توجه به آرایش، هزینه لباس و کفش، هزینه خوراک و دین داری به عنوان شاخص های سبک زندگی در نظر گرفته شد، که هر کدام از آنها نیز شامل چندین شاخص می شد. میزان برخورداری از هر شاخص در سطح کم و زیاد مورد سنجش قرار گرفت. برای این سنجش ابتدا اجزای تشکیل دهنده هر شاخص را با هم جمع کرده و حاصل تفاضل بزرگترین و کوچکترین کد در هر شاخص را تقسیم بر دو نمودیم. از کمترین تا عدد به دست آمده به عنوان کم و از آن عدد تا بزرگترین به عنوان زیاد در نظر گرفته شد. براساس نتایج تحلیل خوشه بندی که بر مبنای بیشترین تشابه و تمایز بین پاسخ گویان از نظر شاخص های سبک زندگی به دست آمده بود. آنان در پنج گروه (سبک) دسته بندی شدند که ویژگی های هر گروه مطرح خواهد شد.

#### یافته های تحقیق

نتایج توصیف داده ها به تفکیک سبک های زندگی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. براساس داده های این جدول مسن ترین پاسخ گویان در سبک چهار و جوان ترین پاسخ گویان در سبک پنج قرار گرفته اند. بر اساس آزمون تحلیل واریانس (F) تفاوت سنی بین سبک های ما معنا دار است. از نظر میزان تحصیلات پدر، بیشترین میانگین (۱۰/۷ کلاس) در سبک پنج و کمترین میانگین (۷/۵ کلاس) در سبک چهار مشاهده شد. و در مورد تحصیلات مادربیشترین میانگین (۹/۳ کلاس) در سبک پنج و کمترین میانگین (۶/۲ کلاس) در سبک سه بود. آزمون تحلیل واریانس نشان داد که سطح تحصیلات والدین بین سبک های مختلف تفاوت معنا داری دارد. از نظر درآمد ماهیانه والدین بیشترین میانگین (۷۲۹۰۵ تومان) در سبک یک و کمترین میانگین (۳۸۷۳۴۰ تومان) در سبک چهار مشاهده شد و از نظر ثروت والدین بیشترین میانگین (۲۹۴/۸۲۰ میلیون تومان) در سبک یک و کمترین آن (۹۰/۰۶ میلیون تومان) در سبک چهار



بود. براساس آزمون تحلیل واریانس، اختلاف درآمد و ثروت والدین در سبک های مختلف معنادار است. از نظر سواد پاسخ گو بیشترین میانگین (۱۲/۸۱ کلاس) در سبک پنج و کمترین آن (۱۱/۵۱ کلاس) در سبک چهار مشاهده شد که بر اساس آزمون تحلیل واریانس اختلاف سطح سواد بین سبک های مختلف معنادار است.

### جدول ۱- ویژگی های فردی و خانوادگی به تفکیک سبک

Sig	F	سبک پنج	سبک چهار	سبک سه	سبک دو	سبک یک	واحد	
۰/۰۰۴	۳/۸۶	۲۱/۵	۲۳/۵	۲۲/۵	۲۱/۸	۲۲/۰۷	سال	میانگین سن
۰/۰۰۱	۴/۹۴	۱۰/۷	۷/۵	۸/۳	۸/۴	۸/۷	سال	میانگین سواد پدر
۰/۰۰۰	۶/۲۰	۹/۳	۶/۵	۶/۲	۶/۹	۷/۹	سال	میانگین سواد مادر
۰/۰۰۰	۵/۳۰	۶۱۵/۸۴	۳۸۷/۳۴	۵۹۷/۹۵	۴۸۶/۸۷	۷۲۹/۰۵	هزار تومان	میانگین درآمد والدین
۰/۰۰۸	۳/۵۰	۲۷۳/۹۶	۹۰/۶۹	۱۵۱/۴۲	۱۲۹/۲۴	۲۹۴/۸۲	میلیون تومان	میانگین ثروت والدین
۰/۰۲۴	۲/۸۵	۱۲/۸۱	۱۱/۵۱	۱۱/۸۹	۱۱/۸۷	۱۱/۶۸	سال	میانگین سواد پاسخ گو
۰/۱۹	۱/۵۳	۵۰/۳۵	۵۱/۱۱	۴۸/۲۶	۵۶/۹۰	۵۳/۴۷	ساعت در	میانگین اوقات فراغت
---	---	۴۱/۸ <sup>۸</sup>	۴۳/۶ <sup>۸</sup>	۷۹/۶	۳۷/۵	۶۱/۹	درصد	جنسیت: (مرد بودن)
----	----	۲۴/۱	۵۳/۲ <sup>۸</sup>	۳۰/۶	۳۵/۴	۳۴/۵	درصد	متاهل بودن
----	---	۳۱/۶	۳۱/۹	۴۹ <sup>۸</sup>	۳۰/۲	۴۶/۴ <sup>۸</sup>	درصد	شاغل بودن

از نظر میزان اوقات فراغت، بیشترین میانگین در سبک د (۵۶/۹۰ ساعت در هفته) و کمترین آن (۵۰/۳۵ ساعت در هفته) در سبک پنج مشاهده شد که بر اساس آزمون تحلیل واریانس اختلاف میانگین اوقات فراغت بین سبک های مختلف معنادار نیست. از نظر ترکیب جنسی سبک ها، در سبک های چهار و پنج اختلاف نسبت بین دو جنس معنادار نیست در سه سبک دیگر اختلاف نسبت ها معنادار است. سبک های یک و سه بیشتر مرد و سبک دو بیشتر زن بودند. از نظر وضع تاهل فقط در سبک چهار نسبت مجرد و متاهل تفاوت معناداری نداشت در سایر سبک ها نسبت مجردین بیشتر بود. از نظر اشتغال، در سبک یک و سه نسبت

شاغلین و غیر شاغلین تفاوت معناداری ندارد، در سایر سبک ها نسبت غیر شاغلین بطور معناداری بیشتر از شاغلین است.

### میزان برخورداری از شاخص های سبک زندگی

مصرف فرهنگی؛ در همه سبک ها کسانی که اهل مسافرت رفتن هستند به طور معناداری بیشتر از کسانی که اهل مسافرت رفتن نیستند، بود. بیشترین نسبت (۹۲/۴٪) در سبک پنج و کمترین آن (۶۱/۷٪) در سبک چهار مشاهده شد. در سبک های یک و چهار نسبت کسانی که اهل مطالعه هستند با نسبت کسانی که اهل مطالعه نیستند، تفاوت معناداری نداشت. در سایر سبک ها نسبت کسانی که اهل مطالعه بودند، بیشتر بود. در همه سبک ها به جز سبک چهار، نسبت کسانی که اهل ورزش بودند در حد معناداری بیشتر از کسانی که اهل ورزش نبودند، بود. در همه سبک ها نسبت کسانی که اهل موسیقی گوش کردن بودند، در حد معناداری بیشتر از نسبت کسانی که گوش نمی کردند، بود. فقط در سبک یک نسبت کسانی که به ماهواره دسترسی داشتند با نسبت کسانی که دسترسی نداشتند تفاوت معناداری نداشت. در سایر سبک ها نسبت کسانی که به ماهواره دسترسی نداشتند، بیشتر بود. فقط در سبک سه، نسبت کسانی که اهل سینما رفتن بودند با نسبت کسانی که اهل سینما رفتن نبودند تفاوت معناداری نداشت. در سبک های یک، دو، پنج نسبت اهل سینما رفتن بیشتر و در سبک چهار کمتر بود. از نظر داشتن کامپیوتر بیشترین نسبت (۹۱/۱٪) در سبک پنج و کمترین آن (۴۰/۹٪) در سبک چهار بود. در سبک چهار و پنج نسبت کسانی که کامپیوتر داشتند با نسبت کسانی که نداشتند، تفاوت معناداری نداشت. در سایر سبک ها این تفاوت معنادار بود. در مورد اهل تماشای فیلم بودن در همه سبک ها نسبت کسانی که پاسخ مثبت دادند با نسبت کسانی که پاسخ منفی دادند، معنادار بود.

رفتار انحرافی؛ بیشترین رفتار انحرافی ابتدا در سبک یک و سپس سبک سه مشاهده می شود سبک یک بیشتر پسران متعلق به قشر بالا هستند. و سبک پنج به جز دوستی با جنس مخالف، هیچ رفتار انحرافی ندارند. پس از آن سبک چهار دارای کمترین رفتار انحرافی است.

بیشترین نسبت رفتار انحرافی (۷۹/۸٪) مربوط به قلیان کشیدن در سبک یک بود. نسبت کسانی که قلیان می کشند با نسبت کسانی که نمی کشند در سبک سه تفاوت معناداری نداشت. نسبت کسانی که تجربه داشتن دوست از جنس مخالف داشتند با نسبت کسانی که این تجربه را نداشتند در سبک سه و پنج تفاوت معناداری نداشت. و همچنین در سبک یک نسبت کسانی که داشتن دوست از جنس مخالف را تجربه کرده بودند بیشتر از نسبت کسانی بود که این تجربه را نداشتند. در مورد سایر رفتارهای انحرافی در سبک های مختلف نسبت کسانی که رفتار انحرافی نداشتند در حد معناداری بیشتر از سایرین بود.

رفتار سیاسی؛ کمترین عضویت در بسیج (۳/۶٪) و شرکت در همه انتخابات (۲/۵٪) و اهمیت دادن به مسائل سیاسی (میانگین ۲/۲۴ از ۵) در سبک یک و بیشترین آن ها (به ترتیب ۳۸/۸٪، ۸۳/۷٪، میانگین ۳/۳۱ از ۵) در سبک سه مشاهده شد. در سبک سه بین نسبت کسانی که در همه انتخابات شرکت می کردند با نسبت کسانی که در همه انتخابات شرکت نمی کردند، تفاوت معناداری وجود نداشت.

مصرف آرایش؛ در زمینه آرایش فقط ژل زدن در همه سبک ها به جز سبک چهار متداول بود و بین نسبت کسانی که ژل می زدند و نسبت کسانی که اهل ژل زدن نبودند در این سبک ها تفاوت معناداری وجود نداشت. در مورد برداشتن ابرو نیز نسبت کسانی که اهل این کار بودند با نسبت کسانی که نبودند تفاوت معناداری نداشت. در سایر موضوعات در همه سبک ها نسبت کسانی که اهل آرایش های مختلف بودند در حد معناداری کمتر از سایرین بود.

مدیریت بدن؛ فقط در سبک دو نسبت کسانی که اهل رژیم گرفتن بودند با سایرین تفاوت معناداری داشت اهل رژیم گرفتن در سایر سبک ها و نسبت کسانی که مایل به انجام عمل جراحی زیبایی بودند در حد معناداری کمتر از بقیه که اهل رژیم گرفتن و مایل به عمل جراحی بودند، بود. در همه سبک ها به جز سبک چهار، نسبت کسانی که اهل ورزش بودند در حد معناداری بیشتر از کسانی که اهل ورزش نبودند، بود و در سبک چهار نسبت کسانی که اهل ورزش بودند با سایرین تفاوت معناداری نداشت.

دین داری در همه سبک ها به جز سبک دو، در حد متوسط است.

## جدول ۲- توزیع پاسخ گویان برحسب میزان برخورداری از شاخص های سبک

ابعاد	شاخصها	سبک یک	سبک دو	سبک سه	سبک چهار	سبک پنج
لباس و کفش	هزینه سالیانه	۱۷۹/۳۶	۱۲۵/۳۳	۱۱۴/۱۷	۱۱۰/۳۳	۱۹۳/۳۸
خوراک	هزینه ماهیانه	۴۷/۸۵	۲۷/۵۸	۶۳/۴۲	۳۶/۱۱	۵۲/۴۱
	درصد اهل مسافرت رفتن	۸۱	۸۴/۴	۸۷/۸	۶۱/۷	۹۲/۴
	درصد اهل مطالعه بودن	*۵۶	۸۴/۴	۶۵/۳	*۵۰	۷۸/۵
	اهل ورزش کردن بودن	۸۰/۷	۹۴/۸	۸۱/۶	*۴۴/۱	۷۸/۵
مصرف	اهل موسیقی گوش کردن	۹۷/۶	۹۲/۷	۹۵/۹	۸۷/۲	۹۲/۴
فرهنگی	دست‌رسی به ماهواره	*۴۶/۴	۱۱/۵	۱۶/۳	۸/۶	۳۲/۹
	اهل سینما رفتن	۶۰/۷	۶۷/۷	*۵۹/۲	۳۳/۳	۷۸/۵
	کامپیوتر داشتن	۶۹	۶۵/۶	*۴۶/۹	*۴۰/۹	۹۱/۱
	اهل تماشای فیلم بودن	۹۸/۸	۹۲/۷	۹۵/۸	۹۰/۴	۹۶/۲
	داشتن تجربه مصرف سیگار	۱۹	۲/۱	۱۸/۴	۱/۱	۰
	داشتن تجربه مصرف قلیان	۷۹/۸	۷/۳	*۵۵/۱	۱/۱	۰
	داشتن تجربه مصرف تریاک و شیره	۱۱/۹	۳/۱	۸/۲	۲/۱	۰
	داشتن تجربه مصرف هروئین و شیشه و کراک	۷/۱	۱	۰	۰	۰
	داشتن تجربه مصرف مشروبات الکلی	۳۹/۳	۱	۱۲/۲	۱/۱	۰
	داشتن تجربه شرکت در پارتی مختلط	۲۲/۶	۱	۴/۱	۱/۱	۰
رفتار انحرافی	داشتن تجربه شرکت در اکس پارتی	۳/۶	۱	۰	۰	۰
	داشتن تجربه مصرف قرص روانگردان	۶	۱/۲	۰	۰	۰
	داشتن تجربه روابط جنسی با جنس مخالف	۲۶/۲	۳/۱	۲۲/۴	۱/۲	۰
	داشتن تجربه روابط جنسی با جنس موافق	۹/۵	۱/۲	۱۰/۲	۰	۰
	تجربه داشتن دوست از جنس مخالف	۶۵/۵	۱۵/۶	*۵۹/۲	۱۱/۷	*۴۱/۸

ابعاد	شاخصها	سبک یک	سبک دو	سبک سه	سبک چهار	سبک پنج
	عضویت در بسیج	3.6	33.3	38.8 *	23.7	10.1
	شرکت در همه انتخابات	25	67.7	83.7	55.3	26.6
رفتار سیاسی	میانگین میزان به فکر مسائل سیاسی بودن	44.8	46	66.2	53.6	47.8
	ژل زدن مو	56 *	46.9 *	59.2 *	37.6	50 *
	گلد کردن مو	10.7	3.1	6.1	2.2	7.7
	مش زدن مو	22.6	18.8	8.2	21.5	14.1
	فر زدن مو	1.2	5.2	8.2	5.4	6.4
مصرف آرایش	رنگ کردن مو	16.7	14.6	6.1	17.2	14.1
	برداشتن زیر ابرو	41.7 *	27.1	22.4	36.2	38
	زدن رژ لب و سایه	25	25	6.1	18.1	27.8
	رنگ کردن زیر چشم	11.9	6.3	4.1	5.3	7.6
	اهل رژیم گرفتن	33.3	56.3 **	14.3	18.1	25.6
مدیریت بدن	تمایل به جراحی زیبایی	32.2	31.3	16.3	5.3	11.2
	اهل ورزش کردن	80.7	94.8	81.6	44.1	78.5
دین داری	دین داری	43.35	64.87	60.17	52.3	46.02

- براساس آزمون یک متغیره " کای دو " تفاوت معنادار نبود.

### برخورداری از ابعاد سبک زندگی

برای محاسبه برخورداری از هر بعد، ابتدا برای پاسخ گویانی که به هر کدام از شاخص های تشکیل دهنده هر بعد پاسخ مثبت داده بودند کد (۱) و کسانی که پاسخ منفی داده بودند کد (۰) در نظر گرفته شد و سپس با فرمان شمارش، تعداد کدهای (۱) شمارش و به عنوان یک متغیر در نظر گرفته شد. پس از آن با فرمان کد گذاری مجدد، به دو طبقه کم و زیاد تبدیل شد. جدول ۳ توزیع پاسخ گویان برحسب کم یا زیاد داشتن هر کدام از ابعاد سبک زندگی را نشان می دهد. براساس داده های این جدول مصرف فرهنگی در بین جوانان نسبت به سایر شاخص ها زیادتر است. توجه به آرایش بیشتر در حد کم است، البته لازم به توضیح است که ۵۰٪ پاسخ گویان مرد بودند که گرایشی به آرایش ندارند. مدیریت بدن و رفتار انحرافی نیز

نسبتاً کم است. رفتار سیاسی جوانان نیز میل به کم دارد به طوری که ۳۹/۳٪ رفتار سیاسی زیاد داشتند. هزینه خوراک و لباس نیز از متوسط کمتر است. دین‌داری در حد متوسط است. البته خود پاسخ‌گویان نیز دین‌داری خود را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند: (۲/۸۶ نسبت به عدد ۵).

### جدول ۳- توزیع پاسخ‌گویان برحسب میزان برخورداری از ابعاد سبک زندگی

سبک زندگی	کم		زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مصرف فرهنگی	۱۶۱	۴۰	۲۴۱	۶۰
مدیریت بدن	۲۵۷	۶۳/۹	۱۴۵	۳۶/۱
رفتار انحرافی	۲۶۴	۶۵/۷	۱۳۸	۳۴/۳
رفتار سیاسی	۲۴۴	۶۰/۷	۱۵۸	۳۹/۳
توجه به آرایش	۳۲۵	۸۰/۸	۷۷	۱۹/۲
هزینه لباس و کفش	۲۳۴	۶۱/۷	۱۴۵	۳۸/۳
هزینه خوراک	۱۸۳	۵۸/۱	۱۳۲	۴۱/۹
دین‌داری	۱۹۶	۴۹	۲۰۴	۵۱

### سبک‌های زندگی

نتایج به دست آمده از تحلیل خوشه بندی براساس بیشترین تشابه و کمترین تمایز نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان براساس برخورداری از ابعاد مختلف سبک زندگی به پنج خوشه (سبک) تقسیم می‌شوند که ویژگی‌های هر سبک به این شرح است

سبک یک: ۸۴ نفر از پاسخ‌گویان: (۲۰/۹٪) این سبک زندگی را داشتند. در این سبک مدیریت بدن، رفتار انحرافی، توجه به آرایش و هزینه لباس زیاد بود و در مقابل مصرف فرهنگی، رفتار سیاسی، هزینه خوراک و دین‌داری در سطح کم بود. نکته قابل توجه در این سبک همراهی انحراف زیاد، مدیریت بدن و آرایش زیاد با دین‌داری کم، مصرف فرهنگی کم

و رفتارسیاسی کم بود که با توجه به مصادیق عینی آن در جامعه قابل پذیرش است یعنی کسانی که به مناسک دینی پایبند نیستند و شاید به دلیل ضعف دینداری و آگاهی فرهنگی پایین به راحتی مرتکب انحراف شده و نسبت به مسائل سیاسی جامعه هم بی تفاوت هستند. سبک دو: ۹۶ نفر از پاسخ گویان (۲۳/۹٪) این سبک زندگی را داشتند. در این سبک مدیریت بدن، مصرف فرهنگی، تعهد سیاسی، هزینه لباس و دینداری زیاد و در مقابل رفتار انحرافی، آرایش و هزینه خوراک کم بود. در این سبک نیز تا حدی مشابه سبک یک، همراهی مصرف فرهنگی، رفتارسیاسی و دینداری زیاد با رفتار انحرافی و آرایش کم قابل توجه است.

#### جدول ۴- انواع سبک های زندگی جوانان مورد بررسی

نوع سبک	سبک یک	سبک دو	سبک سه	سبک چهار	سبک پنج
مصرف فرهنگی	کم	زیاد	زیاد	کم	زیاد
مدیریت بدن	زیاد	زیاد	زیاد	کم	زیاد
رفتار انحرافی	زیاد	کم	زیاد	کم	کم
رفتار سیاسی	کم	زیاد	زیاد	زیاد	کم
مصرف آرایش	زیاد	کم	زیاد	زیاد	کم
هزینه لباس و کفش	زیاد	زیاد	کم	کم	کم
هزینه خوراک	کم	کم	زیاد	کم	زیاد
پایبندی به مناسک دینی	کم	زیاد	زیاد	کم	کم
تعداد اعضای هر سبک	۸۴	۹۶	۴۹	۹۴	۷۹
درصد نسبت به کل پاسخ	۲۰/۹	۲۳/۹	۱۲/۲	۲۳/۴	۱۹/۶

سبک سه: ۴۹ نفر از پاسخ گویان (۱۲/۲٪)، کمترین تعداد، این سبک را داشتند. در این سبک مدیریت بدن، مصرف فرهنگی، رفتار انحرافی، تعهد سیاسی، توجه به آرایش، هزینه خوراک و دینداری در حد زیاد و فقط هزینه لباس در حد کم بود. شاید همراه بودن دینداری زیاد با رفتار انحرافی زیاد و رفتارسیاسی زیاد نوعی نا هماهنگی و ناسازگاری و حتی خطا را به

ذهن بیاورد اما واقعیت ملموسی است که در جامعه ما وجود دارد. این گروه که تعدادشان هم کم است انقلابی‌نماهای متظاهری هستند که آگاهانه و به دروغ نقاب دین‌داری زده‌اند. حتی هزینه کم لباس که می‌تواند شاخص تظاهر به ساده‌زیستی باشد نیز با بقیه عناصر هماهنگ است.

سبک چهار: ۹۴ نفر از پاسخ‌گویان (۲۳/۴٪) این سبک زندگی را داشتند. در این سبک توجه به آرایش و رفتار سیاسی زیاد و در مقابل مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، رفتار انحرافی، هزینه لباس و کفش، دین‌داری و هزینه خوراک در حد کم بود. در این سبک همراه بودن دینداری کم و رفتار انحرافی کم قابل توجه است و دیگر همراه بودن رفتار سیاسی زیاد با دین‌داری کم نیز قابل تامل است. این سبک بیشتر متعلق به کسانی است که وضع اقتصادی خوبی ندارند، در عین حال خیلی به مناسک دینی پایبند نیستند و شاید بر همین اساس زیادتر آرایش می‌کنند لکن به دلیل کنترل اجتماعی شدیدتر، انحراف کمی دارند و رفتار سیاسی آنان زیاد است.

سبک پنج: ۷۹ نفر از پاسخ‌گویان (۱۹/۶٪) این سبک را داشتند. کسانی که در این سبک قرار می‌گیرند مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و هزینه خوراک زیاد و در مقابل رفتار انحرافی، رفتار سیاسی، توجه به آرایش، هزینه لباس و دین‌داری کم دارند. این گروه شاید از نظر اقتصادی مشابه سبک چهار باشد ولی در این سبک، مصرف فرهنگی زیاد است و شاید به همین دلیل رفتار انحرافی کم است.

در سه سبکی که مصرف فرهنگی زیاد بود در دو مورد رفتار سیاسی زیاد و همچنین در دو مورد رفتار انحرافی کم بود و در دو مورد آن دین‌داری زیاد و در دو مورد مدیریت بدن زیاد بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مصرف فرهنگی زیاد با رفتار سیاسی، مدیریت بدن و دینداری زیاد و از طرف دیگر رفتار انحرافی کم همراه است.



## رابطه سبک زندگی با سرمایه فرهنگی و اقتصادی

با توجه به میزان آزمون کای دوی محاسبه شده جدول (۵۰/۲۲۸) و میزان خطای آزمون (۰/۰۰۰) برای جدول با درجه آزادی ۱۶، می توان گفت بین سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین و سبک زندگی جوانان رابطه معنادار آماری وجود دارد. بنابراین فرضیه اولیه تحقیق که مدعی وجود رابطه معنا دار بین دو متغیر بود مورد تایید قرار می گیرد. بر اساس آزمون معناداری تفاوت سرمایه اقتصادی و فرهنگی در تک تک سبک های پنج گانه معنادار بود بنابراین تاثیر سرمایه اقتصادی و فرهنگی بر سبک های زندگی جوانان مورد تایید قرار می گیرد.

تحلیل درصدهای جدول اطلاعات بیشتر و کامل تری را به ما می دهد. بیشتر جوانانی که میزان ثروت و تحصیلات والدینشان در سطح بالا بود سبک یک و سبک پنج را داشتند و بیشتر کسانی که میزان تحصیلات والدینشان بالا بود سبک پنج و بیشتر کسانی که میزان ثروت والدینشان بالا بود سبک یک و سبک دو را داشتند. سبک یک یا پنج در هر سه گروه وجود دارد و جوه مشترک این دو سبک شامل؛ مدیریت بدن زیاد، رفتار سیاسی کم و دین داری کم است.

## جدول ۵- رابطه سبک های زندگی جوانان مورد بررسی و سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین

نوع سبک زندگی	ثروت و تحصیلات بالا		فقط تحصیلات بالا		ثروت و تحصیلات متوسط		ثروت و تحصیلات پایین		جمع	آزمون کای دو	معنی داری
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد			
سبک یک	۱۹	۳۴.۵	۷	۱۱.۷	۱۳	۲۶	۲۶	۱۹.۶	۸۴	۱۲.۱۹	۰.۰۱۶
	(۲۲.۶)	(۸.۳۳)		(۱۵.۴۸)		(۳۰.۹۵)		(۲۲.۶)			
سبک دو	۱۱	۲۰	۱۰	۱۶.۷	۱۷	۳۴	۲۲.۹	۲۶	۹۶	۱۹.۱۰	۰.۰۰۱
	(۱۱.۴۶)	(۱۰.۴۱)		(۱۷.۷۱)		(۳۳.۳)		(۲۷.۰۸)			
سبک سه	۳	۵.۵	۷	۱۱.۷	۵	۱۰	۱۱	۱۱.۳	۴۹	۲۵.۷۹	۰.۰۰۰
	(۶.۱۲)	(۱۴.۲۲)		(۱۰.۲)		(۴۶.۹۴)		(۲۲.۴۵)			
سبک چهار	۷	۱۲.۷	۱۲	۲۰	۱۰	۲۰	۳۱	۲۲.۱	۹۴	۳۴.۱۹	۰.۰۰۰
	(۷.۴۵)	(۱۲.۷۶)		(۱۰.۶۳)		(۳۲.۹۸)		(۳۱.۱۷)			
سبک پنج	۱۵	۲۷.۳	۲۴	۴۰	۵	۱۰	۲۸	۲۰	۷۹	۲۶	۰.۰۰۰
	(۱۸.۹۸)	(۳۰.۳۸)		(۶.۳۲)		(۳۷.۸۳)		(۸.۸۶)			
جمع	۵۵	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۱۴۰	۱۰۰	۴۰۲	—	—

کی دو = ۵۰/۲۲۸ = ۰.۲۲۸  
درجه آزادی = ۱۶  
معنی داری = ۰/۰۰۰

البته در بین جوانانی که والدینشان ثروت اقتصادی بالایی دارند سبک دو بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده که در این سبک رفتار سیاسی و دین داری زیاد است و فقط در مدیریت بدن با دو سبک قبلی مشترک است. این گروه شاید فرزندان ثروتمندان سنتی باشند که از نظرفتار سیاسی و دین داری در سطح بالاتری قرار دارند، انحراف کم و مصرف فرهنگی زیاد از دیگر خصیصه های این سبک است. این گروه به مناسک دینی تا حد زیادی پایبندند، در نماز جمعه دعای کمیل، دعای ندبه بیشتر شرکت می کنند، بیشتر عضو بسیج هستند در همه انتخابات شرکت می کنند و برای مسائل سیاسی اهمیت زیادی قایل می شوند.

جوانانی که سطح تحصیلات و ثروت والدینشان در حد متوسط بود و بیشترین (۳۴/۸٪) جمعیت را هم به خود اختصاص داده بودند در همه سبک های زندگی تقریباً به یک نسبت مشارکت داشتند. به طوری که ۱۸/۶ درصد از پاسخ گویان این گروه سبک یک، ۲۲/۹٪

سبک دو، ۱۶/۴٪ سبک سه، ۲۲/۱٪ سبک چهار و ۲۰٪ سبک پنج را داشتند. و این داده بیانگر این مطلب است که جوانان قشر متوسط در جامعه ما سبک زندگی مستقل و مجزایی ندارند و در واقع بین دو قشر بالا و پایین و شاید تلفیقی از هر دو قشر باشند. جوانانی که میزان ثروت و سطح تحصیلات والدینشان در سطح پایینی بود و ۲۴/۱۳٪ از کل جامعه مورد بررسی را شامل می شدند بیشتر در دو سبک دو و چهار قرار می گرفتند. وجوه مشترک بین این دو سبک شامل انحراف کم، رفتارسیاسی زیاد و هزینه خوراک کم بود. البته پس از دو سبک یاد شده سبک یک با ۱۹/۶٪ قرار می گرفت که اتفاقاً در این سبک هم انحراف زیاد و هم رفتارسیاسی کم بود.

#### بحث و نتیجه گیری

سبک زندگی، مفهومی گسترده و چند بعدی است (بیرو، ۱۳۷۵؛ فیدرستون، ۱۹۹۱؛ ابادری، ۱۳۸۱) و اینکه یک بعد خاص از آن را به عنوان شاخص سبک زندگی بررسی کنیم گویا نیست، هرچند توجه به همه ابعاد هم وسعت کار را به حدی افزایش می دهد که شاید انجام آن امکان پذیر نباشد. البته می توان به روش بینابینی ترکیبی از مهم ترین شاخص ها را به عنوان شاخص سبک زندگی در نظر گرفت. ساختن چنین شاخصی به راحتی امکان پذیر نیست و نیازمند بررسی های تجربی مکرر است. شاخص مورد استفاده جهت متمایز کردن سبک های زندگی از یکدیگر، احتمالاً برای اولین بار و با مشارکت هشت معرف ساخته شده است. در این بررسی فرضیه رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی (تحصیلی) و اقتصادی (بورديو، ۱۹۸۴؛ پالومتس، ۱۹۹۸) مورد آزمون قرار گرفت که تایید شد. بنابراین سبک زندگی جوانان تحت تاثیر خاستگاه فرهنگی و اقتصادی آنان است.

برخی از پیشینه ها به رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی با سبک زندگی اشاره کرده اند (فردرو، ۱۳۷۸؛ رضوی زاده، ۱۳۸۷) و برخی به رابطه طبقه اجتماعی با سبک زندگی اشاره کرده اند (لئوبی، ۱۳۸۰؛ تامين، ۱۳۸۵؛ کلی، ۱۹۹۰؛ زابلکی و کانتر، ۱۹۷۶؛ دی مگیو و اوسیم، ۲۰۰۰؛ هارتون و هانت، ۱۹۸۴). از آنجا که سرمایه فرهنگی و اقتصادی جزو شاخص های

اصلی طبقه اجتماعی است و در این تحقیق رابطه بین آن‌ها و سبک زندگی تایید شد بنابراین می توان انتظار داشت که رابطه بین طبقه و سبک زندگی نیز تایید شود.

در این بررسی پنج سبک زندگی متفاوت در بین جوانان تشخیص داده شد که تاکنون این تعداد سبک با ترکیب حاضر در هیچ تحقیق تجربی در ایران مشاهده نشده است. البته برخی از سبک های این سنخ بندی با برخی از سبک های ارایه شده مشابهت دارد. مثلاً سبک دو تا حدی با سبک بسیجی (شهابی، ۱۳۸۶) و سبک زندگی اصول گرایی انقلابی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶) مشابهت دارد و سبک های یک و پنج نیز تا حدودی شبیه سبک زندگی پسامدرن (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶) و سبک زندگی جهان وطنانه (شهابی، ۱۳۸۶) است.

در این بررسی مشخص شد که قشر متوسط تلفیقی از سبک زندگی قشر بالا و قشر پایین دارد و به عبارت دیگر قشر متوسط سبک زندگی مخصوص به خود ندارد و لذا جهت بررسی سبک زندگی از این پس بهتر است سراغ اقشار بالا و پایین جامعه برویم. قشر بالا به دلیل توانایی مالی و میل به متمایز نمودن خود از سایر اقشار، سبک زندگی خاصی را بر می گزیند و در مقابل قشر پایین به دلیل عدم توان مالی قادر به رقابت با قشر بالا نیست و در نتیجه از مدها و الگوهای رفتاری آنان پیروی نخواهند کرد و لذا سبک زندگی خاص خود را خواهند داشت.

وجود یک سبک زندگی که شاخص های متناقض با هم دارند نیز قابل توجه است. کسانی که هم به مناسک دینی پایبندند (اهل شرکت در نماز جماعت و نماز جمعه و دعا های مختلف هستند) و هم از ارتکاب انحرافات اخلاقی که با آن مواجه می شوند رویگردان نیستند. البته این سبک ریشه در برخی باورهای عامیانه دارد مثل اینکه بعضی از افراد می گویند «ما قبل از انقلاب، مشروب می خوردیم، دهان خود را آب می کشیدیم و نماز می خواندیم». یا فردی که ربا خوار است و از طریق نامشروع کسب درآمد می کند اما در ماه محرم مراسم عزاداری برگزار می کند و غذا رایگان به مردم می دهد. یعنی کسی که با خدا وارد جنگ شده است

برای امام حسین (ع) مجلس عزا برگزار می کند. افزایش پیروان این سبک برای جامعه خطرناک است و موجب رشد نفاق و بی اعتمادی مردم در روابط شخصی خواهد شد. جوانان آینده سازان جامعه هستند و تهاجم برنامه ریزی شده فرهنگی دشمن نیز این گروه را هدف گرفته است و لذا توجه جدی تر به نحوه زندگی آنان (سبک زندگی) شامل رفتارها، ترجیحات و نگرش‌ها و انگیزه های رفتار یک ضرورت و نیاز انکارناپذیر است وجود رفتارهای انحرافی مثل مصرف سیگار، قلیان و مشروبات الکلی در بین جوانان که خود ریشه بسیاری از انحرافات خطرناک است نیز بایستی مورد توجه جدی قرار گیرد.

## فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶): الگوهای سبک زندگی در ایران، الگوهای سبک زندگی ایرانیان. ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱): از "طبقه" تا "سبک زندگی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- استاجی، زهرا و همکاران (۱۳۸۵): بررسی سبک زندگی در ساکنین شهر سبزوار، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دوره ۱۳، شماره ۳.
- بیرو، الن (۱۳۸۰): فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ چهارم. پورغلام، زهرا (۱۳۸۶): سبک های زندگی یا رفتارهای خرده فرهنگ در بین دختران نوجوان الگوهای سبک زندگی ایرانیان.
- رضوی زاده، نورالدین (۱۳۸۶): بررسی تاثیر مصرف رسانه ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶): توسعه و تضاد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۹): دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، انتشارات کیهان.
- شفیعی، سمیه (۱۳۸۶): مطالعات جنسیتی اوقات فراغت: به سوی تبیین سبک زندگی، الگوهای سبک زندگی ایرانیان.
- شهابی، محمد (۱۳۸۶): سبک های زندگی جهان و طنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت های سیاسی آن، الگوهای سبک زندگی ایرانیان.
- رایمر، بو (۱۳۸۴): فرهنگ جوانان در مدرنیته متاخر، انتشارات سازمان ملی جوانان.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲): مصرف و سبک زندگی، نشر صبح صادق.
- فردرو، محسن و صداقت زادگان، شهناز (۱۳۷۸): پایگاه اقتصادی اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی، نشر زهد.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۶۹): فرهنگ علوم اقتصادی، نشر نو، تهران، چاپ ششم.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۷): مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲): تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ دوم

- لاروک، پیر (۱۳۸۵): طبقات اجتماعی، ترجمه ایرج علی آبادی، بهار.
- لئوبی، هنری (۱۳۸۰): اوقات فراغت و سبک های زندگی جوانان، انتشارات سازمان ملی جوانان.
- مارکس، کارل، بی تا، کاپیتال، ایرج اسکندری.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳): معرفی طبقه از دیدگاه بوردیو، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۴۲ - ۴۱.

- Burgess, Robert (1989): **key variables in social investigation**, Rutledge.
- Bourdieu, Pierre (1984): **Distinction**, Cambridge, Mass., Harvard university press.
- Donoghoe, Martin C. & others (1992): Life-style factors and social circumstances of syringe sharing in injecting drug users, **British journal of addiction**, 87.
- Duchin, Faye & Hubacek , Klaus (2003): linking social expenditures to household lifestyles, **Futures** 35.
- Galobardes , Bruna & Others (2003): Trends in risk factors for lifestyle, related diseases by socioeconomic positioning Geneva, Switzerland, 1993 – 2000, **American journal of public health**.
- Heiman, Amir & others (2000): the role of socioeconomic factors and lifestyle variables in attitude and the demand for genetically modified foods, **Journal of Agribusiness**.
- Hubacek, Klaus & Others (2007): changing lifestyles and developing, **Futures** 39.
- Hurton, Paul B & Hunt Chester L (1984): **Sociology**, McGraw hill.
- Palumets, Liis (2002): **Space of lifestyles in Estonia in 1991**, pro ethnologia,
- Reusswig, Fritz & others (2005): **Changing global lifestyle and consumption**. Patterns, Potsdam institute for climate impact research.
- Rex, A. k. & others (2000): Associations between lifestyle and cardiovascular risk factors, **Journal of Adolescent Health**.
- Rossel, Jorg (2008): Conditions for the explanatory power of life styles, **European sociological review**, volume 24, number 2.
- Jensen, mikael (2007): **lifestyle: suggesting mechanisms and a definition from a cognitive science perspective**, Springer science - business media.
- Ziegenspeck, Svantje (2004): **lifestyles of private forest as an indication of social change**, forest policy and economics 6.